

JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical Studies

Volum, Consecutive Number,

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The semantics of the word "controversy" based on the seven axes of Izutsu's semantic theory

Sayedeh Sokaineh Mousavi¹ ; Shaker Al-Amiri^{2*} ; Ali. Akbar. Noresideh³

¹: Master's student - Department of Arabic Language and Literature - Faculty of Persian Literature and Foreign Languages - Semnan University - Semnan – Iran.

^{2*}: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Semnan University, Semnan, Iran. Email: sh.ameri@semnan.ac.ir (**correspondent Author**)

³: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Semnan University, Semnan, Iran.

Abstract

Discovering and investigating the "relative" meaning of key words in the context of Quranic verses is emphasized by the theory of simultaneous semantics. In Izutsu's Quranic thought, a key word can have two basic and relative meanings; But the meaning of "relative" should provide a clearer picture of it in the semantic system of the Qur'an. The word "dispute" is one of the key concepts of the Quran. In this research, an attempt has been made to present a more precise concept of the word conflict by relying on the seven methods of simultaneous semantics in an analytical-descriptive manner. These seven methods are: textual definition, finding synonyms (substitutes), finding antonyms, balancing the grammatical structure (synonyms) of sentences, forming semantic fields, negative form of words and application in non-religious context. In the search for results from this research, it was concluded that the word "dispute" in the Quran is used both positively (dispute with goodness/dispute with truth) and negatively (dispute with unrighteousness/dispute with falsehood). Found; However, the use of this focal word is more in its negative sense. The relative meaning of "struggle with truth" in the Qur'an is a struggle that takes place with tools such as Sultan, knowledge, guidance, benefiting from the teachings of the holy books, wisdom, good preaching, etc. In the relative concept of "false conflict", the following components were observed: disbelief is considered the most obvious feature of conflict. Argumentative person refuses to accept the divine revelations despite the truth being presented, and with the aim of destroying the truth, starts fighting with them. The source of conflict is several factors such as: pride, lack of knowledge and authority, the temptation of devils and following them, following the wrong tradition of the predecessors and the result is misguidance, mockery of the verses, oppression, immorality, polytheism, etc.; In addition, in a relative sense, emphasis is placed on the continuous and dominant flow of false arguments on the society and the bad outcome of the disputants.

Keywords: Izutsu, simultaneous semantics, conflict, basic meaning, relative meaning.



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال - شماره -

صفحات (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول - بازنگری - پذیرش:

معناشناسی واژه «جدال» بر پایه هفت روش نظریه معناشناسی
هم‌زمانی ایزوتسو

سیده سکینه موسوی^۱؛ شاکر عامری^{۲*}؛ علی اکبر نورسیده^۳

^۱- دانشجوی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه سمنان، ایران.

^۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
(نویسنده مسؤل). ایمیل: sh.ameri@semnan.ac.ir

^۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

چکیده

در نظریه معناشناسی هم‌زمانی، کشف و بررسی معنای «نسبی» واژگان کلیدی در بافت آیات قرآن مورد تأکید است. در اندیشه ایزوتسو، یک واژه کلیدی می‌تواند از دو معنای اساسی و نسبی برخوردار باشد؛ اما معنای «نسبی»، تصویر واضح‌تری از آن در نظام معنایی قرآن ارائه می‌دهد. واژه «جدال» یکی از مفاهیم کلیدی قرآن به شمار می‌آید. در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر روش‌های هفت‌گانه معناشناسی هم‌زمانی به صورت تحلیلی - توصیفی، مفهوم دقیق‌تری از واژه جدال ارائه گردد. این هفت روش عبارتند از: تعریف متنی، یافتن کلمات مترادف (جانشین)، یافتن واژگان متضاد، موازنه ساختمان دستوری (ترادف) جملات، تشکیل میدان‌های معنایی، صورت منفی واژگان و کاربرد در بافت غیر دینی. از این جستار، حاصل گردید که واژه «جدال» در قرآن، هم به صورت مثبت (جدال احسن / جدال به حق) و هم به صورت منفی (جدال غیر احسن / جدال به باطل) کاربرد یافته؛ هرچند کاربرد این واژه کانونی در مفهوم منفی آن بیشتر است. معنای نسبی «جدال به حق» در قرآن، عبارت است از جدالی که با ایزاری چون سلطان، علم، هدایت، بهره‌مندی از آموزه‌های کتب آسمانی، حکمت، موعظه حسنه و ... صورت می‌پذیرد. در مفهوم نسبی «جدال باطل»، کفر، بارزترین ویژگی جدال به شمار می‌آید. فرد مجادله‌گر علی‌رغم ارائه ظهور حق از پذیرش آیات الهی سرباز می‌زند و با هدف نابودی حق، به ستیزه با آن‌ها بر می‌خیزد. منشأ جدال عوامل متعددی مانند: کبر، نبود علم و سلطان، وسوسه انگیزی شیاطین و تبعیت از آن‌ها، پیروی از سنت غلط پیشینیان و نتیجه آن گمراهی،

استهزای آیات، ظلم، فسق، شرک و... است؛ افزون بر آن در معنای نسبی بر جریان مستمر و غالب جدال باطل بر جامعه و بد فرجامی مجادله گران تأکید شده است.

واژگان کلیدی: ایزوتسو، معناشناسی هم‌زمانی، معنای اساسی، معنای نسبی، جدال.

۱. مقدمه

دست‌یابی به معانی دقیق واژگان، به مطالعات روش‌مند نیازمند است که یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها، معناشناسی است. دانش معناشناسی خود به سه دسته معناشناسی فلسفی، معناشناسی منطقی و معناشناسی زبانی تقسیم می‌شود. آنچه در پژوهش‌های معناشناسانه مراد است، شاخه معناشناسی زبانی است؛ یعنی دانشی که معنا را در درون نظام زبان، بر پایه قواعد و به شکل روش‌مند بررسی می‌کند.

یکی از نظریه‌پردازان در عرصه معناشناسی، توشیهیکو ایزوتسو^۱ (۱۹۹۳)، قرآن‌پژوه ژاپنی است. او متأثر از دوسوسور، معناشناسی را به دو بخش معناشناسی در زمانی و هم‌زمانی تقسیم می‌کند. ایزوتسو نیز همانند دوسوسور، روش معناشناسی هم‌زمانی را در دست‌یابی به معانی دقیق واژگان بر می‌گزیند. وی دو اصطلاح «معنای اساسی» و «معنای نسبی» را ابداع می‌کند. در نگاه او، معنای اساسی واژه، خارج از متن و صرف نظر از ارتباط آن با دیگر واژگان به دست می‌آید؛ اما معنای نسبی در بافت و سیاق جملات و ارتباط معنایی آن با کلمات دیگر حاصل می‌شود و همین معنای نسبی است که ترسیم‌کننده چهره حقیقی واژگان کلیدی در قرآن است.

۱.۱. روش پژوهش

در روش معناشناسی هم‌زمانی، هیچ واژه‌ای به تنهایی واجد معنا نمی‌گردد؛ بلکه در هم‌نشینی با سایر واژه‌ها معنا می‌یابد. ایزوتسو، برای کشف معنای دقیق واژگان کلیدی قرآنی، هفت روش را معرفی و برای هر یک مثال‌هایی ذکر می‌کند. این پژوهش، در پی آن است که واژه «جدال» را بر اساس هفت روش نظریه معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو، مورد مطالعه قرار دهد تا مفهوم دقیق و تازه‌تری از آن، به دست آید.

۲,۱. سؤال‌های پژوهش

این پژوهش در صدد است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- معنای اساسی واژه «جدال» کدام است؟

- معنای نسبی واژه «جدال» بر اساس روش‌های هفتگانه معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو چیست؟

۳,۱. فرضیه‌های پژوهش

برای دست‌یابی به پاسخ این سوالات، این فرضیه‌ها مطرح می‌گردد:

جدال در معنای اساسی آن، پیچیدن سخت و نهایت ستیزه‌جویی و دشمنی است؛ به گونه‌ای که دو طرف قصد زمین زدن و مغلوب ساختن یکدیگر را دارند؛ اما در بافت متون آیات، جدال مفهوم ارزشی به خود گرفته و با مسائل اعتقادی (توحید، نبوت و معاد)، ارتباط نزدیک پیدا می‌کند. از طرف دیگر، جدال در مفهوم نسبی آن می‌تواند بار مثبت و منفی داشته و به دو دسته جدال به حق / جدال أحسن و جدال به باطل / جدال غیر أحسن تقسیم می‌شود که هر کدام با قیودی از یکدیگر متمایز شده‌اند؛ هرچند بیشترین کاربرد آن در مفهوم منفی است و بیانگر خصوصیات افرادی است که از پذیرش آیات الهی سرباز می‌زنند.

۲. پیشینه پژوهش

در جستجوی به عمل آمده پیرامون موضوع این مقاله موردی یافت نشد که به بررسی معناشناسی واژه جدال بر پایه نظریه معناشناسی هم‌زمانی پرداخته باشد. پژوهش‌های به دست آمده در خصوص واژه «جدال» عبارت‌اند از:

هاله حمیدی (۱۳۸۱) در مقاله «جدل و نمونه‌های آن در قرآن کریم» در فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء شماره ۴۱، پس از بررسی لغوی و اصطلاحی واژه جدل و مشتقات آن (جدال و مجادله)، مصادیق استعمال جدل از منظر قرآن و منطق (استدلال از راه تعریف، استدلال از راه ذکر خاص بعد از عام، استدلال از راه مقایسه،

قیاس خلف، تمثیل، سبر و تقسیم و ... ذکر شده؛ بدون این که به مباحث معناشناسی جدید واژه «جدال» پرداخته شده باشد.

علی نریمانی (۱۳۹۴) در مقاله «جدال أحسن و عوامل زمینه ساز آن» منتشر شده در همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، ضمن بررسی های لغوی و اشاره ای گذرا به تفاوت های جدل با واژه های همگون آن، آداب اخلاقی جدال (جدال أحسن) را از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است.

مصطفی عباسی مقدم و محمد فلاح مرقی (۱۳۹۷) در مقاله «معنی شناسی و ملاک شناسی جدال أحسن قرآنی» در دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های زبان شناختی قرآن، پس از بررسی های لغوی، تفسیری و روایی و بیان وجوه جدال، دو شیوه جدال أحسن و غیر أحسن را با ذکر مصادیق قرآنی معرفی کرده، به اصول صحیح و مهم ترین معیار جدال أحسن از دیدگاه قرآن پرداخته است. در این مقاله نیز اثری از معناشناسی نوین مشاهده نمی شود.

گزارش فوق نشان می دهد در همه پژوهش های صورت گرفته، معناشناسی واژگان مورد نظر به شیوه کلاسیک و مبتنی بر مراجعه کتاب های لغوی و تفسیری است و بیشتر به اصول و آداب اخلاقی جدال، بیان کارکردها و آسیب شناسی آن پرداخته اند و هیچ یک از این پژوهش ها، با رویکرد معناشناسی نوین و بررسی روابط معنایی واژه «جدال» با رویکرد تبیین محور هم نشینی و جانشینی نگاشته نشده است؛ از این رو این پژوهش از جهت بررسی معناشناسی هم زمانی ایزوتسو پیرامون واژه «جدال» در نوع خود جدید است.

۳. مباحث نظری تحقیق

۱,۳. تعریف معناشناسی

برای معناشناسی، تعاریف مختلفی ارائه شده که می توان به مواردی از آن ها اشاره کرد: دانش معنا (صفوی، ۱۴۰۰: ۹۸-۹۹)، علم مطالعه معنا (پالمر، ۱۴۰۰: ۱۴) و علم بررسی

معنا یا نظریه معنا (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۱۹). به تعبیر دیگر معناشناسی، دانشی است که معنا را در درون زبان و با توجه به قواعد زبان بررسی می‌کند (قائم‌نیا، ۱۳۹۹: ۱/ ۳۵). بنابراین اگر زبان‌شناسی را مطالعه علمی زبان در نظر بگیریم، می‌توانیم از همین الگو استفاده کنیم و بگوییم که معناشناسی نیز مطالعه علمی معناست. منظور از «مطالعه علمی» معنا، توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام بدون هرگونه پیش‌انگاری و به صورت صریح و دقیق است تا بتوان صحت و سقم آن را ارزیابی کرد (صفوی، ۱۳۹۹: ۲۷).

۲،۳. تعریف ایزوتسو از «معناشناسی» و «معناشناسی قرآنی»

ایزوتسو تعریف خاص خود را از «معناشناسی» چنین بیان می‌کند: «معناشناسی بدان صورت که من آن را می‌فهمم، تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است تا سرانجام، جهان‌بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه تنها همچون وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهم‌تر از آن، همچون وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده است، به کار می‌برد» (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۸۹). «وی با تألیف دو کتاب "خدا و انسان در قرآن" و "مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید" پیوندی میان زبان‌شناسی و معناشناسی واژگان قرآنی برقرار کرده است و با استفاده از روابط معنایی میان کلمات و انواع آن‌ها در یک میدان معنایی (کانونی، کلیدی و فرعی) روش متفاوتی را در معناشناسی ارائه نموده است» (نورسیده و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۲). ایزوتسو بعد از ارائه تعریفی از معناشناسی، می‌گوید: «کلمه قرآن در عبارت «معنی - شناسی قرآن» باید به معنی جهان‌بینی قرآنی یعنی طرز نگرش قرآن نسبت به جهان در نظر گرفته شود. از نگاه ایزوتسو، لازمه معناشناختی قرآن، تحقیق در همه واژگان آن نیست؛ بلکه پژوهش تحلیلی و اصولی در کلمات مهمی است که نقش کلیدی در ارائه جهان‌بینی قرآنی داشته باشند و بتوانند خصوصیات تمام دستگاہ را تعیین کنند (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۸۹ و ۹۰). ایزوتسو، تفاوت عمده روش معناشناسی خود را با سایر روش‌ها به این

صورت بیان می کند که: «می خواهم کاری کنم که قرآن به زبان خود سخن بگوید و خود مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۸).

۳,۳. معنای «اساسی» و معنای «نسبی»

ایزوتسو به دو نوع معنی متمایز از یک واژه قرآنی اشاره کرده و نام آن‌ها را «معنای اساسی» و «معنای نسبی» می‌گذارد. وی در توضیح معنای اساسی توضیح می‌دهد که هر کلمه فردی، چون به صورت جدا از دیگر کلمات در نظر گرفته شود، معنی اساسی یا محتوای تصویری ویژه خود را دارد که اگر آن کلمه را از قرآن هم بیرون بیاوریم، این معنی را برای خود حفظ می‌کند. او همچنین در تعریف معنای «نسبی» می‌نویسد: «معنی اساسی، تمام معنی کلمه نیست و در اینجا سیمای دومی از کلمه ارائه می‌دهد و نام آن را «معنی نسبی» می‌گذارد. از دیدگاه او، معنای نسبی، نتیجه کاربرد یک واژه در نظام معنایی خاص و روابط و مناسبات آن واژه با دیگر واژگان است که وضع ویژه‌ای را برای آن واژه فراهم می‌سازد. ایزوتسو بر این باور است گرچه معنی «اساسی» یک کلمه، چیزی ذاتی و درونی از خود آن کلمه است که هر جا کلمه کاربرد یابد، با آن منتقل می‌شود، معنی نسبی، چیزی است که دلالت ضمنی دارد و در نتیجه پیدا کردن وضع خاصی برای آن کلمه، در زمینه‌ای خاص، به معنای اساسی افزوده می‌شود و در نظام تازه، نسبت به کلمات مهم دیگر، نسبت‌ها و روابط گوناگون می‌یابد (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۶).

۴,۳. دو رویکرد «در زمانی» و «هم‌زمانی» در معناشناسی ایزوتسو

دیدگاه ایزوتسو و تحلیل‌های وی، از زبان‌شناسی دوسوسور (۱۹۱۳م)، تأثیر پذیرفته است. از تمایزهایی که دوسوسور در زبان‌شناسی قائل است، تمایز میان محور «در زمانی» و «هم‌زمانی» است (دوسوسور، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۲۶۲؛ کالر، ۱۳۹۳: ۳۷-۵۰؛ قائمی نیا، ۱۳۹۹: ۴۲/۲).

ایزوتسو نیز در تعریف خود از معناشناسی «زمان گذر» یا «در زمانی»، می‌نویسد: «زمان-گذر چنان که در ترکیب و اشتقاق کلمه نشان می‌دهد، عبارت است از دیدی از زبان که در آن عنصر زمان، مورد تأکید واقع می‌شود. بنابراین واژگان، از لحاظ زمان‌گذر، بسته‌ای از کلمات است که هریک از آن‌ها، مستقل از دیگران، به روش خاص خود رشد می‌کند و تغییر می‌پذیرد. برخی از کلمات موجود در یک دسته، ممکن است حالت توقف پیدا کند. کاربرد آن‌ها متوقف شود و کلمات دیگر مدت طولانی‌تری رایج بمانند؛ نیز ممکن است در نقطه معینی از زمان، کلماتی تازه پیدا شوند و از آن زمان تاریخ خود را آغاز کنند (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۳۸ و ۳۹).

ایزوتسو در تجزیه و تحلیل واژگان مهم و کلیدی قرآن، در عین توجه به ریشه تاریخی و اشتقاقی واژه و معنای اساسی آن، اما در بیشتر موارد، آن‌را مبتنی بر حدس و گمان می‌پندارد (همان: ۲۱)، و برای کشف معنای دقیق واژه از منظر قرآن بیشتر به روابط درون متنی آن با سایر واژگان کلیدی در حوزه‌های معنایی و کل نظام واژگان و توجه به معنای نسبی واژه کلیدی در بافت‌های متعدد می‌پردازد (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ص ۴۷-۸۳).

۴. معنای اساسی واژه «جدال»

با توجه به مبانی نظری گفته شده، در این بخش، به ذکر معنای اساسی و نسبی واژه جدال پرداخته می‌شود. ایزوتسو برای رسیدن به معنای صحیح واژگان قرآنی، نقش مهمی برای اشعار دوره جاهلی قائل است. از دیدگاه وی، از لحاظ گاه‌شماری، واژگان شعر جاهلی بر واژگان قرآن مقدم است؛ بنابراین مقایسه میان آن دو ثمربخش خواهد بود (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۲۶). ایزوتسو بر این باور است کلمات معمولی در عصر جاهلی، در قرآن، جایگاه والایی پیدا کرده و به کلمات کلیدی مبدل شده اند (همان: ۴۷). در نمونه اشعار جاهلی زیر واژه جدال، معنای اصلی جدال، «تاییدن محکم» بیان شده است: از جمله در این بیت شعر از ابن البری، نیز، «أجدل» نام باز شکاری است که صفت صلابت و محکمی بر آن غالب شده است:

كَأَنَّ بَنِي الدِّعْمَاءِ، إِذْ لَحِقُوا بِنَا
فَرَاخُ الْقَطَا لَاقِينَ أَجْدَلَ بَازِيَا

به زمین سفت، «جداله» می‌گویند و در نبرد، به فرد مغلوب و کسی که به زمین افتاده، «مُجَدَّل» می‌گویند.

قَدْ أَرْكَبَ الْآلَةَ بَعْدَ الْآلِهِ وَأَتْرَكَ الْعَاجِزَ بِالْجَدَالِ

واژه «جدال»، با حفظ مفهوم اولیه آن (پیچیدن محکم)، معنی ثانویه پیدا کرده و در معنای شدت ستیزه و دشمنی کاربرد یافته است. در فرهنگ‌های قدیم لغت زبان عربی، این دو مفهوم به چشم می‌خورد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۱۰۳). راغب گفته است: «جدل» در اصل از (جَدَلْتُ الْحَبْلَ) به معنی تابیدن طناب با شدت و استحکام گرفته شده که از باب توسعه معنایی در مورد بحث و گفت‌وگو هم به کار رفته گویی که دو طرف به شدت به هم می‌پیچند و هریک دیگری را با سخن و رأی خود، می‌پیچاند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱۸۹ و ۱۹۰).

۵. معنای نسبی واژه «جدال» بر پایه هفت روش نظریه معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو

واژه جدال، یکی از مفاهیم ارزشی مهم در قرآن کریم، به شمار می‌آید؛ چرا که در بافت غیر دینی و معنای اساسی خود، به معنی تابیدن محکم چیزی ظاهر شده و در مفهوم ثانویه، شدت خصومت و به زمین زدن حریف کاربرد یافته است؛ اما همین واژه، در بافت آیات، مفهوم دینی یافته و با مسائل اعتقادی گره خورده است. بنابراین برای درک معنای نسبی جدال باید بافت آیاتی را که واژه جدال در آن‌ها به کار رفته مورد بررسی قرار داد؛ از این رو ایزوتسو از همان ابتدا در تمایز روش معناشناسی خود با سایر روش‌ها، بر خود آیات تکیه می‌کند.

برای دست‌یابی به معنای نسبی جدال، می‌توان از روش‌های هفتگانه معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو بهره جست؛ که در این میان در نظر گرفتن بافت، یافتن مترادف‌ها و در رتبه بعد، توجه به متضادها، نسبت به سایر روش‌ها، کارکرد بیشتری در معناشناسی او داشته

است. در ادامه به تحلیل معنایی واژه «جدال» بر پایه این هفت روش و ارائه مفهوم قرآنی از این واژه، پرداخته می‌شود.

۱,۵. تعریف متنی

یکی از راه‌های دست‌یابی به مفهوم دقیق واژگان قرآنی، توجه به بافت آیات است. ایزوتسو توجه به بافت و توصیف لفظی را ساده‌ترین راه برای اعتباربخشی به معنای آیه می‌داند و از این روش به عنوان «تعریف متنی» یا «تعریف بافتی» یاد کرده است (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۷۴). بنابراین برای دست‌یابی به معنای دقیق جدال، باید به آیات مرتبط با آن مراجعه کرد و مشاهده کرد که در قرآن به چه نوع منش و رفتارهایی، «جدال» اطلاق می‌گردد و فرد مجادله‌گر، دارای چه خصوصیت‌هایی است تا بتوان تعریف جامع و دقیقی را از واژه ارزشی «جدال» از منظر قرآن کریم به دست آورد. ذکر این نکته لازم است که واژه جدال در قرآن کریم، در دو مفهوم متضاد به کار رفته است: جدال به حق و جدال أحسن و جدال باطل و جدال غیر أحسن و برای هر کدام، توصیف‌هایی را می‌توان از آیات جدال ارائه داد. واژه «جدال» و مشتقات آن، حدود ۲۹ بار در قرآن ذکر شده است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۲۱۰).

۱,۱,۵. تعریف متنی «جدال غیر أحسن / جدال باطل»

بررسی کاربردهای واژه «جدال» نشان می‌دهد که در بیشتر موارد، با مفهوم منفی یعنی جدال باطل با صیغه جمع در باب ثلاثی مزید و به صورت فعل مضارع استمراری یا عبارت «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ» به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۲۱۰)، که نشان می‌دهد جدال یک جریان اجتماعی و سنت غالب و مستمر در میان مردم در مخالفت با آیات حق است و مربوط به دوره و محیط خاصی نیست.

در قرآن کریم، توصیفات متعددی از افراد مجادله‌گر شده که با تکیه بر آن‌ها می‌توان به مفهوم نسبی از واژه «جدال» در جهان‌بینی قرآن دست یافت.

حقیقت «جدال» در قرآن، ارتباط مستقیمی با باور و ایمان به «الله» و «آیات» او پیدا می‌کند. از این جهت است که خداوند، «جدال» را چهره دیگری از «کفر» و نمود عملی آن می‌داند: «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ» (غافر/۴). قرآن از «جدال‌گران» به جهت نسبت دروغ به خدا و تکذیب آیات او، به عنوان ظالم-ترین افراد یاد کرده است (انعام/۲۱)، که در تضاد با اهل ایمان و اسلام قرار گرفته‌اند (عنکبوت/۴۷ و ۴۹)، که نه به قصد فهم و درک حقایق بلکه با انگیزه ستیزه‌جویی به آیات گوش می‌دهند و به دلیل کوری باطن و نداشتن گوش شنوا برای شنیدن حق، پیام‌های وحی را افسانه‌ای بیش نمی‌پندارند (انعام/۲۵).

مجادله‌گران، در تقابل با «الله» قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که هرچقدر خداوند، آیات خود را بر آن‌ها نازل کند، به جای پذیرش آن‌ها به مقتضای فطرت توحیدی شان، بیشتر از هر موجودی، با آیات خدا سر ستیز دارند (کهف/۵۴)، و با ابزار باطل، قصد نابودی و کنار نهادن حق را دارند (کهف/۵۶).

بر اساس آیات قرآن، «جدال باطل» علل گوناگونی دارد. یکی از آن‌ها، جدال از روی نادانی است. ستیز مجادله‌گران با آیات خدا، بدون علم (حجت عقلی) هدایت‌های الهی (تکوینی و تشریحی) و تکیه بر آموزه‌های کتاب‌های روشنگر آسمانی (لقمان/۲۰). و یا هر دلیل روشن و برهان محکم، با آیات خداست (اعراف/۷۱؛ غافر/۳۵ و ۵۶). و با تردیدهای پی‌درپی خود نسبت به نبوت و إعراض از حق، از حدود الهی خارج شده‌اند. به همین دلیل قرآن از آن‌ها به عنوان «مسرف مرتاب» یاد می‌کند: «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ* الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ» (غافر/۳۴ و ۳۵).

این تعابیر نشان می‌دهد که واژه «جدال» در قرآن کریم، صرفاً به معنای ستیز لفظی و مخالفت عادی و گذرا نیست؛ بلکه سخن بر سر پذیرش یا عدم پذیرش دعوت حق است که می‌تواند در سرنوشت انسان‌ها، تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد.

۲،۱،۵. تعریف متنی «جدال أحسن/جدال به حق»

با توجه به آیه: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلِتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)؛ و در نظر گرفتن صورت مثبت آیه عبارت «بَغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ» در آیه «يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ» (غافر/۳۵ و ۵۶) و «بَغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (حج/۸)، می توان تعریف قرآن کریم از «جدال أحسن/جدال به حق» را این گونه بیان کرد: جدالی که مبتنی بر دلیل روشن و برهان قوی، حکمت، پند نیکو و گفتگو با زیباترین وجه ممکن؛ همراه با علم (دلایل عقلی)، هدایت (تکوینی و تشریحی) و برگرفته از آیات کتاب روشننگر (وحی) باشد.

۲،۵. یافتن واژگان مترادف

دومین روش معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو، توجه به کلمات «مترادف» واژه است. واژگان مترادف یا هم‌معنا می‌توانند، به جای یکدیگر به کار روند؛ بدون این که در زنجیره گفتاری، تغییری حاصل شود (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۰۶). اما حقیقت آن است که با وجود امکان تمایز بین واژگان هم‌معنا، هیچ دو واژه‌ای دقیقاً یک معنا ندارند و تمایزهایی در جنبه‌های عاطفی، شمول معنایی، تفاوت در هم‌نشین‌ها و... را دارند (پالمر: ۱۴۰۰: ۱۰۵-۱۱۴).

ایزوتسو نیز مترادف نسبی کلمات را پذیرفته و بیان می‌دارد: «واژه کلیدی می‌تواند در بافتی مشابه با واژه دیگر قرار بگیرد؛ گرچه ممکن است برد استعمال آن بیشتر یا کمتر از واژه مشابه باشد» (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۷۵). می‌توان گفت: بین کلمات نسبتاً مترادف، رابطه «جانشینی» برقرار است. رابطه جانشینی، رابطه اجزای حاضر در یک پیام با اجزای غایب آن پیام است (باقری: ۱۳۹۹: ۵۱).

ذکر این نکته لازم است که واژگان جانشین واژه جدال دو دسته‌اند: دسته اول واژگانی هستند که هم به دلیل تشابه معنایی و هم به جهت یکسان بودن واژگان هم‌نشین و بافت

مشابه در نقش جانشین جدال ظاهر شده‌اند و دسته دوم، واژگانی هستند که گرچه مترادف با جدال نیستند؛ اما به دلیل برخورداری از بافت نسبتاً یکسان و وجود برخی کلمات هم‌نشین، بر محور جانشینی با جدال قرار گرفته‌اند. بنابراین مترادفی که در معناشناسی ایزوتسو از آن یاد می‌شود، لزوماً به معنای شباهت معنایی نیست؛ بلکه جانشینی می‌تواند به دلیل تشابه معنایی یا تشابه در بافت و واژگان هم‌نشین و یا ترکیبی از آن دو باشد. به همین جهت در این بخش به ذکر مثال‌هایی برای هر دو دسته واژگان جانشین پرداخته می‌شود:

۱،۲،۵. واژگان جانشین واژه «جدال» بر اساس تشابه معنایی و بافت مشابه

از واژگانی که شباهت معنایی با واژه «جدال» داشته و در مترادف نسبی با آن واقع شده، واژه «مُحَاجَّه» است. «مُحَاجَّه» یا «احتجاج» از ریشه «ح ج ج» در اصل به معنی قصد و آهنگ چیزی کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/۲۲۶). مصطفوی در مورد معنای «حج» گفته است: «قصد همراه با حرکت و عمل و ادامه اختلاف و هر آنچه در مقام بحث و اثبات ادعا و آوردن دلیل برای غلبه بر حریف باشد و مُحَاجَّه، دوام و استمرار در دلیل و بحث کردن و ادامه گفتگو است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۱۹۷ و ۱۹۸).

با توجه به معنای واژه مُحَاجَّه و احتجاج، می‌توان آن را در مترادف نسبی با جدال و جانشین آن در نظر گرفت. مانند آنچه در نمونه می‌آید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج/۳).

«قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ» (بقره/۱۳۹). در هر دو آیه ستیز و مخالفت در خصوص صفت الوهیت است. همچنان که برخی مفسران، «أُتُحَاجُّونَا» را به «أُتُجَادِلُونَا» معنی کرده‌اند (طوسی، بی تا: ۴۸۶/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۴: ۴۰۸/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۲/۳۹۶).

واژه دیگری که به لحاظ معنایی، نزدیک به واژه «جدال» است، «مُخَاصَمَه» است. «مُخَاصَمَه» از ریشه «خ ص م» در اصل به معنای کشیدن گوشه بار و متاع دیگری و گلاویز شدن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۸۴). همچنان که در جدال، نیز این درگیر شدن،

مشهود است. به همین جهت برخی از فرهنگ‌های لغت عربی، «مخاصمه» را در ترادف نسبی با «مجادله» می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۸۰/۱۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸۰/۳ و ۸۱؛ فیروزآبادی، ۴: ۵۲/۱۴۱۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۵/۱۶ و...).

از این جهت می‌توان واژه «مخاصمه» را در بافت آیات، جانشین واژه «جدال» قرار داد. مانند آیه: «وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصْمُونَ» (زخرف/۵۸). این آیه نقل قول مشرکان است که می‌گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا حضرت عیسی بن مریم؟ اگر به قول محمد، همه معبودان غیر از خدا، در آتش جهنم می‌سوزند؛ لازم آید عیسی هم بسوزد؛ چرا که او نیز معبود مسیحیان است که خداوند به پیامبر یادآور می‌شود نیت آن‌ها از طرح این پرسش، فهم حقیقت نیست؛ بلکه این مثال را برای ستیز با تو مطرح می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۹۳/۲۱). در این آیه، حرف إضراب «بل» بعد از واژه «جدل» به کار رفته تا تأکید و مبالغه در معنای جدال را برساند، همان گونه که در برخی تفاسیر، صفت «خصمون» را «جادلون/ جدلون فی دفع الحق بالباطل» (طوسی، بی تا: ۲۱۰/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۹؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۶۱/۱۰).

۲,۲,۵. واژگان جانشین واژه «جدال» بر اساس بافت و واژگان هم‌نشین

در آیه «وَيَسِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» (رعد/۱۳)، یکی از معانی «مِحَال»، مکر، حيله و تدبیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۵۴). با توجه به این معانی، «مِحَال» مترادف با «جدال» خواهد بود و «شدید المِحَال» و «شدید المماحله» به معنی «شدید الجدل» و «شدید المجادله» است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴/۱۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳/۱۸۳ و ۱۸۴؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۵۷/۱۲). یکی از مهم‌ترین واژگان قرآن که به لحاظ بافت، در ترادف با واژه «جدال» قرار گرفته، واژه «کفر» است. از دیدگاه ایزوتسو، بررسی واژه «کفر» به حدی مهم است که حتی برای درک ارزش‌های اخلاقی موجود در قرآن، باید

معناشناسی قرآن را با مفهوم «کفر» آغاز کنیم و حتی مفهوم «ایمان» به عنوان بالاترین ارزش اخلاقی و دینی در اسلام از طریق تجزیه و تحلیل مفهوم منفی آن که «کفر» است، بهتر فهمیده می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۲۳۹-۲۴۰ و ۳۱۳).

در آیه «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ» (غافر/۴)، می‌توان عبارت «مایجادل فی آیاتنا» و «إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» را مترادف هم در نظر گرفت. «إِلَّا» در عبارت «إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا»، ادات استثناء است (درویش، ۱۴۱۵: ج ۸/۴۵۶). حصر به کار رفته در آیه نشان می‌دهد که ویژگی بارز کافران، ستیز با آیات الهی است و «مجادله گران» در واقع همان «کافران» هستند و همنشین شدن «جدال» و «کفر» بر این مطلب دلالت دارد که عامل مجادله با حق، چیزی جز کفر (قرائتی، ۱۳۸۳: ۸/۲۱۶) و انکار حق بعد از ظهور آن نیست. درحقیقت عبارت «إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» تعریف ستیزه جویان و جدال‌کنندگان است که کفر چنان در دل هایشان رسوخ کرده که دیگر امیدی به زایل شدن آن از قلب هایشان نیست؛ به همین دلیل به دشمنی با آیات خدا می‌پردازند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۳۰۵).

از دیگر واژگان جانشین «جدال»، «ظلم» است. در آیه: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت/۴۶).

استثنای به کار رفته در عبارت «إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا» نشان می‌دهد که «جدال احسن» نسبت به کسانی که متکبر و معاند بوده و نرمی و ملامت در سخن مسلمانان را حمل بر ضعف و سستی می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۰۰). جایز نیست. به عبارت دیگر، عبارت «إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ»، به جای «إِلَّا الَّذِينَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ مِنْهُمْ» آمده که نشان می‌دهد کسانی که با وجود دلایل روشن، از پذیرش دعوت حق سرباز می‌زنند و جدال می‌کنند، به منزله ظالم تلقی می‌شوند.

۳,۵. یافتن واژگان متضاد

بسیاری از واژگان، در تقابل معنایی با واژگان دیگر قرار گرفته‌اند. از این جهت، یکی دیگر از شیوه‌های مورد تأکید ایزوتسو در کشف معنای نسبی واژه، توجه به متضادهای آن است (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۷۷).

واژه «موعظه» نیز همراه با تذکر (نحل/۹۰؛ هود/۱۲۱)، تقوی (بقره/۶۶؛ نور/۳۴)، ایمان (نور/۱۷)، هدایت (آل عمران/۱۳۸؛ مائده/۴۶)، حق طلبی و قیام برای خدا (سبأ/۴۶)، شفای صدور (یونس/۵۷)، و رفع جهل (هود/۴۶)، در محور هم‌نشینی قرار گرفته‌اند که همگی بر پذیرش و تسلیم در برابر آیات خداوند دلالت می‌کند. از این جهت، «موعظه» می‌تواند در تضاد با جدال باطل واقع شود که در قرآن کریم با ویژگی‌هایی چون نداشتن علم، هدایت و کتاب روشنگر و سلطان (حجت و دلیل)، پیروی از شیطان (حج/۳؛ نساء/۱۲۱)، کفر (انعام/۲۵؛ غافر/۴)، غرور و تکبر (غافر/۳۵ و ۵۶)، تقدیس و پیروی از سنت آبا اجدادی، در کنار نسبت‌های ناروایی مانند جنون، سحر، تضعیف و تحقیر پیروان حق، توسل به زور و تهدید و قتل و اخراج و ... معرفی شده است.

۴,۵. صورت منفی واژه

چهارمین شیوه معناشناسی هم‌زمانی که ایزوتسو در تحلیل واژگان کلیدی قرآن ارائه می‌دهد، یافتن صورت منفی واژگان و عبارات قرآنی است (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۷۸-۸۰). در آیات زیر:

«الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (غافر/۳۵).

«إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر/۵۶).

«قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتَجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمِيتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» (أعراف/۷۱).

عبارت «بغیر سلطان آتاهم» و «ما نزل الله بها من سلطان»، صورت منفی «جدال به حق» را نشان می‌دهد؛ به این معنی که جدال أحسن، جدالی است که با سلطان (دلیل محکم) از ناحیه خدا همراه باشد و جدال باطل، جدالی است که با سلطان همراه نباشد. این قیود، نشان‌دهنده این است که سلطان، حجت و دلیل استواری است که همواره از ناحیه خداوند صادر می‌شود و بیان‌گر تقابل دعوت راستین یکتاپرستی با ادعای پوچ و فاقد دلیل روشن است که صرفاً از روی تقلید از سنت غلط گذشتگان صورت می‌گیرد. این تعبیر چند بار در قرآن تکرار شده و در همه موارد به خدا نسبت داده شده است (أعراف: ۷۱؛ یوسف: ۴۰؛ هود: ۹۶؛ ابراهیم: ۱۱؛ مؤمنون: ۴۵؛ غافر: ۲۳، ۳۵ و ۵۶)، که به یک حقیقت اصلی اشاره دارد و آن این که هر سخنی یا حکمی یا عرفی که تصور شود از ناحیه خدا نبوده، فاقد ارزش، کم اثر و فناشدنی است (حوی، ۱۴۲۴: ۴/۱۹۳۶).

۵,۵. تشکیل میدان معنایی

پنجمین روشی که ایزوتسو در تحلیل واژگان قرآنی مطرح می‌سازد، توجه به «حوزه‌های معنایی» است. از نظر او «حوزه‌ها یا میدان‌های معنایی» مجموعه‌ای از روابط معنایی منسجم و معنادار در بین دسته‌های مختلف واژگان زبان است. ایزوتسو در توضیح میدان معنایی، بیان می‌دارد که یک واژه به ندرت می‌تواند از واژه‌های دیگر برکنار بماند و به هستی خود به تنهایی ادامه دهد. برعکس واژه‌ها در بافت‌های متعدد، گرایش شدیدی به ترکیب با واژگان دیگر دارند و هر واژه‌ای برای خود یاران برگزیده دارد تا جایی که با هم یک شبکه پیچیده معنایی را شکل می‌دهند (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۸۰).

همچنان که گذشت، معنای اساسی واژه «جدال»، پیچیدن محکم است که مفهوم ثانویه پیدا کرده و به ستیز لفظی اطلاق گردیده است. اما این مفهوم تا پیش از ورود این واژه در دستگاه معنایی قرآن است؛ واژه «جدال» به محض ورود به نظام معنایی قرآن، به صورت یک واژه کانونی و کلیدی درآمده و بار ارزشی پیدا می‌کند.

منظور از «کلمه کانونی»، یک کلمه کلیدی خاص است که نماینده و محدودکننده حوزه معنایی نسبتاً متمایز در درون یک کل بزرگتر از واژگان است (همان: ۲۸). واژه «جدال» در حوزه معنایی خود، با کلمات متعددی، هم‌نشین شده و بین آن‌ها روابط معنایی برقرار شده است به گونه‌ای که می‌توان مفهوم جدیدی از جدال به دست آورد. در میدان معنایی جدال، کلمه «الله»، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. در آیات جدال، واژه «الله»، ۳ بار با واژه «جدال»، هم‌نشین شده است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۲۱۰). مفهوم «الله» در این حوزه، اولین موضوع و متعلق جدال واقع شده است. «الله» همچون یک کلمه کلیدی است که دیگر واژگان کلیدی را در میدان معنایی جدال با خود همراه کرده است. ایزوتسو در خصوص میزان و تأثیر نفوذ واژه «الله»، بیان می‌دارد که واژه «الله»، عالی‌ترین کلمه کانونی در میان واژگان قرآنی است که در سراسر قلمرو آن فرمانروایی می‌کند؛ چرا که سیمای معناشناختی حقیقی جهان قرآن، خدا مرکزی است. در نظام و دستگاه قرآنی حتی یک میدان معناشناسی نیست که مستقیماً با تصور مرکزی «الله» مرتبط و زیر فرمان آن نبوده است (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۴۴ و ۴۵؛ ۹۲، ۱۱۴ و ۱۱۹).

دومین واژه کلیدی که در حوزه معنایی «جدال» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، «آیات» است. این واژه ۵ بار، با واژه «جدال» هم‌نشین شده که چهار بار به صورت ترکیب اضافی «آیات الله» و یک‌بار هم با عبارت «آیاتنا» ظاهر شده و از بین واژگان کلیدی در حوزه معنایی جدال، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است (عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۲۱۰). ارتباط خدا با انسان، از طریق «تنزیل» صورت می‌گیرد. واکنش انسان‌ها در برابر آیات خدا از دو حال خارج نیست: «تصدیق» آیات و پذیرش نزول آن‌ها از ناحیه خدا که در نهایت به «ایمان» می‌انجامد یا «تکذیب» آن‌ها که منجر به «کفر» می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۱۷۲ و ۱۷۳).

این ارتباط میان تصدیق و تکذیب آیات را همچون محوری باید تصور کرد که کل میدان معناشناسی «جدال» حول آن می‌چرخد. در بینش و جهان‌بینی قرآنی، همه صفات و سجایای انسانی، به دو مقوله‌ای که تقابل و تضاد ریشه‌ای با یکدیگر دارند، تقسیم

می‌شوند. معیار و محک چنین تقسیم‌بندی، اعتقاد به خدای واحد است. دو گانه بودن ارزش‌های اخلاقی، در سراسر قرآن به چشم می‌خورد و کلید آن هم، تضاد میان مؤمن و کافر است (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۶۱، ۲۱۶ و ۳۷۹).

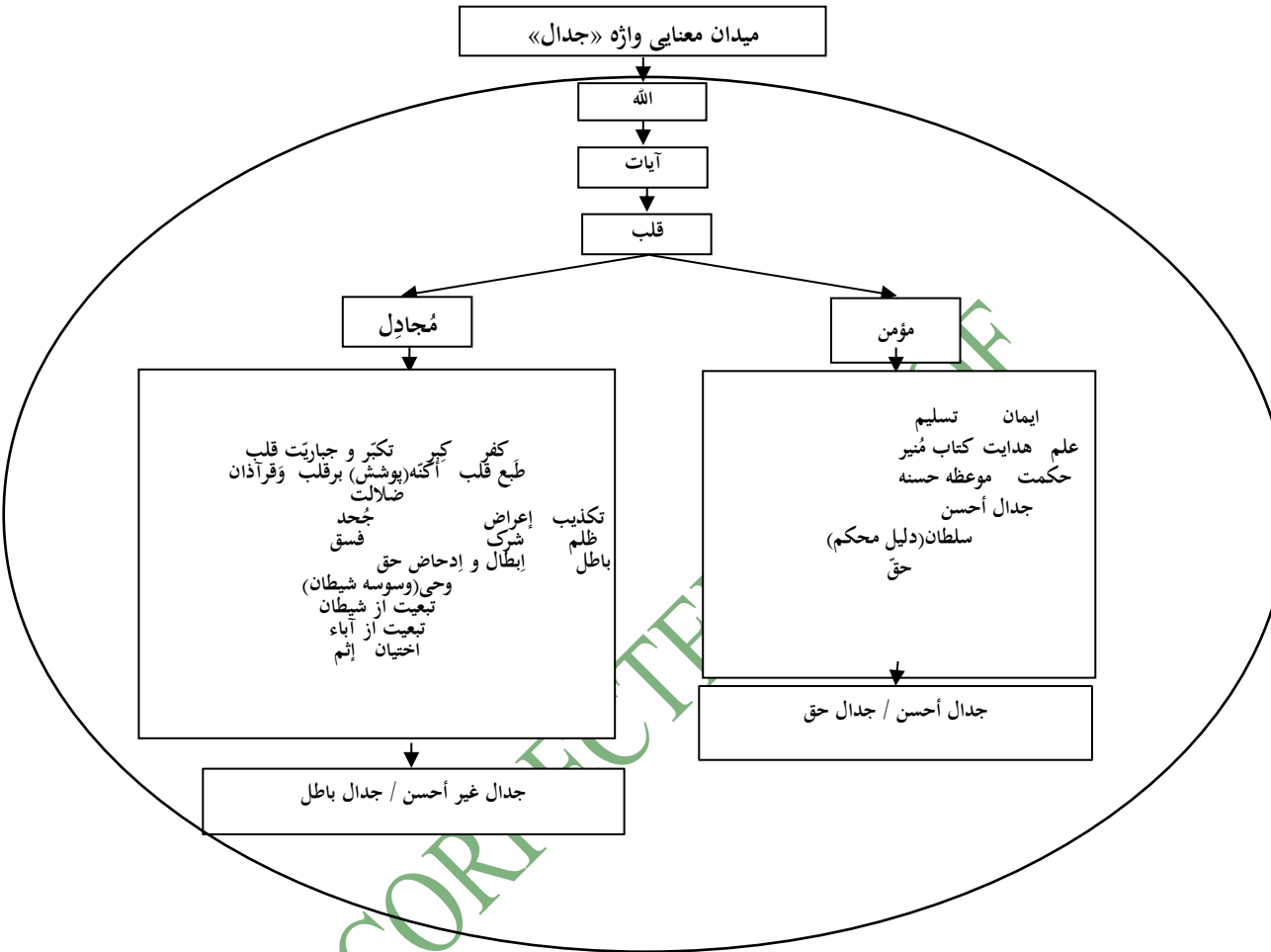
این دوگانگی در آیات قرآن به صورت‌های مختلف از جمله تقابل میان مؤمن و کافر و گاه تقابل میان کافر و متقی، مسلم و مجرم، ضال و مهتدی و اصحاب الجنه و اصحاب النار ظاهر می‌شود (همان: ۱۱۷-۲۳۱). ایزوتسو بیان می‌دارد وقتی «ایمان» درست نقطه مقابل «کفر» قرار گرفته باشد، می‌توان گفت این ایمان در تضاد با همه اصطلاحات و مفاهیم دینی و اخلاقی است که کم و بیش مترادف با «کفر» هستند (همان: ۳۸۲).

با توجه به این گفته ایزوتسو، واژه «جدال» می‌تواند در تضاد با مفهوم «ایمان» به آیات خدا قرار بگیرد. به همین جهت است که واژه «کفر»، در میدان معنایی جدال، نفوذ عمیقی دارد. آیه «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» (غافر/۴) به صراحت، رابطه قوی و ناگسستنی «جدال» و «کفر» را نمایان می‌سازد؛ به این معنا که هر جا «جدال» است، «کفر» نیز حضور دارد و هر دو واژه، را می‌توان دو روی یک واقعیت دانست. در واقع، جدال را می‌توان تبلور کفر در اعمال و رفتار آدمی دانست. نگاهی به تعریف متنی یا بافتی جدال و کفر در بافت آیات قرآن، نیز نشان می‌دهد که عملاً تفاوتی میان جدال و کفر مشاهده نمی‌شود. از دیدگاه ایزوتسو، بررسی واژه «کفر» به حلی مهم است که حتی برای درک ارزش‌های اخلاقی موجود در قرآن، باید معناشناسی قرآن را با مفهوم «کفر» آغاز کنیم و حتی مفهوم «ایمان» به عنوان بالاترین ارزش اخلاقی و دینی در اسلام از طریق تجزیه و تحلیل مفهوم منفی آن که «کفر» است، بهتر فهمیده می‌شود. می‌توان گفت همه صفات منفی حول محور کفر می‌گردد و به نوعی فراگیرترین اصطلاح و مرکز همه رذایل اخلاقی به شمار می‌آید (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۳۱۳). همچنان که «ایمان» محور همه خصوصیات اخلاقی مثبت است (همان: ۳۷۳).

واژه کلیدی دیگری که در حوزه معنایی «جدال»، نقش آفرینی می‌کند، «قلب» است؛ چرا که مخاطب وحی و آیات الهی در اصل قلب آدمی است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ»

عَلَى قَلْبِكَ لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (شعراء/ ۱۹۳ و ۱۹۴)، و بسیاری از خصوصیات مثبت و منفی به «قلب» نسبت داده شده است.

خداوند قلب فرد مجادله گر را با وصف «متکبر» و «جبار» مورد نکوهش قرار می دهد: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبِيرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (غافر: ۳۵)، این توصیف نزدیک به ویژگی - هایی است که برای قلب کافر بیان شده است: «آثم قلبه»، «قَسَتْ قُلُوبُكُمْ»، «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا»، «لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا»، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»، قلب فرد مجادله گر کافر، درست نقطه مقابل قلب مؤمن قرار دارد. قلب مؤمن به این اوصاف معرفی شده است: «بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»، «بِقَلْبٍ مُنِيبٍ»، «قَلْبُهُ مَطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ»، «وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ»، «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ»، با توجه به مطالب گفته شده، واژگان «الله»، «آیات»، «کفر» و «قلب» در میدان معنایی واژه «جدال»، در درجه اول از اهمیت واقع شده اند و سایر واژگان هم نشین با «جدال» که در میدان معنایی آن حضور دارند، ناظر به همین چهار واژه اصلی است و می توان آن ها را در دو دسته واژگان و خصوصیات با بار معنایی مثبت چون: ایمان، تسلیم، استماع، تفقه، علم، موعظه حسنه، جدال احسن، سلطان، حق، هدایت، کتاب منیر و واژگان و خصوصیات با بار معنایی منفی مانند: کبر، تکذیب، شرک، فسق، جحد، ظلم، تبعیت از شیطان مرید، وحی شیاطین (وسوسه)، تبعیت از سنت آبا و اجدادی، استهزاء، شک و تردید، إعراض، کثرت جدال، ضلالت، باطل، ابطال و إدحاض حق، طبع قلب، کبر و جباریت قلب. اختیان، اثم، اکنه قلوب، وقر آذان و قرار داد (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۱۷۲-۱۷۷؛ عبدالباقی، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۳۸).



۶,۵. موازنه ساختمان دستوری (ترادف عبارات)

یکی دیگر از روش‌های نظریه معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو، در نظر گرفتن «موازنه و ترادف عبارات» است. به نظر ایزوتسو، موازنه و ترادف ساختمان جملات، کمک می‌کند تا به جنبه خاصی از یک حوزه معنایی دست یابیم (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۸۱). از مقایسه دو آیه زیر، می‌توان این موازنه و ترادف عبارات را نشان داد:

«وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ» (غافر/۵).

«وَيُجَادِلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ» (کهف/۵۶).

با توجه به این دو آیه می‌توان گفت که مجادله‌کنندگان، چهره دیگر از کافران را ارائه می‌دهد که هدف‌شان کنار زدن حق از جایگاه آن به قصد محو و نابودی آن است. بنابراین «مُجَادِلِ» و «كَافِرٍ» نسبت به آیات، معادل معنایی یکدیگرند.

مثال دیگر از موازنه یا ترادف در ساختمان معنایی، آیات زیر هستند که در آن‌ها، جدال-کنندگان را همان کافرانی دانسته که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند و آن‌ها را افسانه‌ای بیش نمی‌پندارند.

«مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» (غافر/۴).

«وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ كَيْفَ يَجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (أنعام/۲۵).

آیه نخست، در بافت و سیاق دیگر، در موازنه با آیات دیگر نیز واقع شده است:

«مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» (غافر/۴).

«وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ» (عنکبوت/۴۷).

«وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» (عنکبوت/۴۹).

مطابق این آیات، ظلم و کفر مترادف هم قرار گرفته شده‌اند. ظلم، همان اصرار و استقامت در کفر و بلکه حالت پیش رونده آن در وجود فرد جدال‌کننده است و می‌توان گفت: کفر نسبت به آیات، از مصادیق ظلم و ظلم نتیجه افراط در کفر و باقی ماندن بر

آن است. به همین دلیل، خداوند کافران را همان ظالمان معرفی کرده است: «وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۵۴).

۷,۵. کاربرد در بافت غیر دینی

ایزوتسو در هفتمین روش نظریه معناشناسی خود بیان می‌دارد برخی از واژه‌ها و مفاهیم اخلاقی قرآن کریم، گرچه عموماً در بافت دینی به کار رفته‌اند؛ اما استعمال در بافت غیر دینی و جنبه مادی و ناسوتی نیز برای آن‌ها دیده می‌شود. این موارد، داده‌های ارزشمندی در اختیار معناشناس برای پیش‌برد بررسی‌های خود درباره ساختمان واژه‌های مورد تحقیق قرار می‌دهد (ایزوتسو، ۱۳۹۸: ۸۲ و ۸۳). از جستجوی به عمل آمده در آیات «جدال» چنین برمی‌آید که این مفهوم در مفهوم غیر دینی به کار نرفته و با بار ارزشی و دینی، در قرآن کریم ظاهر شده است.

نتیجه‌گیری

در بررسی‌های به عمل آمده از این پژوهش، نتایج زیر به دست آمد:

- واژه «جدال» از جمله واژگان کانونی در قرآن است که پیش از آن که وارد دستگاه قرآن شود، بر اساس وضع لغات، از معنای اساسی خود که پیچیدن سخت است، برخوردار بوده و در اثر توسعه معنایی، مفهوم «ستیره‌جویی» نیز به آن افزوده شد.
- معناشناسی هم‌زمانی ایزوتسو از جمله نظریه‌هایی است که با در نظر گرفتن روش‌های پیشنهادی وی (توجه به معنای بافتی، واژگان مترادف، متضاد، صورت منفی واژگان، موازنه یا ترادف جملات و تشکیل حوزه‌های معنایی آن) می‌توان به زوایای جدیدی از معانی واژه جدال دست یافت که پیش از این مورد توجه نبوده است. این نکته را باید افزود که واژه جدال در همه کاربردهای قرآنی آن با حفظ معنای اساسی خود به عنوان یک واژه ارزشی ظاهر شده و در بافت غیر دینی به کار نرفته است.

- این واژه در نظام معنایی قرآن، با مسائل اعتقادی و در رأس آن‌ها با توحید خداوند پیوند عمیقی برقرار کرده؛ به گونه‌ای که واژه کلیدی «الله» و «آیات الله» در میدان معنایی جدال، در صدر همه واژگان هم‌نشین قرار گرفته و سایر کلمات کلیدی، از طریق این دو واژه، با «جدال» ارتباط معنایی می‌یابند. این واژه به دو صورت «جدال أحسن / جدال حق» و «جدال غیر أحسن / جدال باطل» کاربرد یافته است؛ هر چند در بیشتر موارد، منظور جدال باطل بوده و در صورت اراده جدال أحسن با کلماتی مانند: علم، هدایت، کتاب منیر، موعظه حسنه، قید تفضیل «أحسن» و سلطان، از جدال باطل، متمایز شده است.
- معنای نسبی جدال باطل در قرآن کریم، گفت و گوی ستیزه‌جویانه با منادیان توحید است که با خصوصیات دیگری از جمله کفر نسبت به آیات الهی، انکار و تکذیب حق، شرک در صورت نپذیرفتن احکام الهی و اطاعت از غیر خدا، فسق و خروج از طاعت الهی، تبعیت از شیطان، پیروی از سنت‌های غلط گذشتگان، نفوذ ناپذیری قلب مجادله‌گران با اوصافی مانند: کبر و جباریت، طبع، اکنه، سنگینی گوش از شنیدن ندای حق، استهزاء، گمراه شدن و گمراه کردن و ... همراه شده است و فرجام و نتیجه ستیز با آیات حق و عدم پذیرش هدایت خدا، تعیین‌کننده سرنوشت شوم آن‌ها و دچار شدن به عقوبت دنیوی و اخروی است.
- واژه جدال در قرآن در ترادف با واژگانی مانند محاجه، مخاصمه، مرء و منازعه قرار گرفته است که از آن‌ها به عنوان جانشین، می‌توان ابعاد دیگری از مفهوم جدال را در قرآن ارائه داد؛ وجه شباهت معنایی این واژگان با واژه جدال، ترادف نسبی معانی آن‌ها، قرار گرفتن در بافت مشابه و یکسان بودن برخی کلمات هم‌نشین است؛ افزون بر آن ظاهر شدن در صیغه جمع، وجه استمرار و به کار رفتن در باب‌های ثلاثی مزید، جانشینی آن‌ها را با واژه جدال تقویت می‌کند؛ با این توضیح که هر کدام از آن‌ها ناظر به ویژگی خاصی از مفهوم جدال باطل هستند. جدال باطل را به جهت غلبه بر طرف مقابل و باطل کردن دلیل او «محاجه» می‌نامند و از آن جهت

بدان «مخاصمه» اطلاق می‌گردد که با دشمنی و درگیری سخت همراه است؛ چنانچه با وجود دلایل روشن، همچنان به قوت خود باقی بماند و جنبه تردید مصرانه به خود بگیرد، آن را «مراء» می‌گویند و از آن جهت که با هدف ریشه کن کردن دلیل حریف و به کرسی نشاندن دلیل خود صورت می‌گیرد، «نزاع» نامیده می‌شود.

- نکته حائز اهمیت در معنای نسبی واژه «جدال»، سنت رایج و عمومی در مخالفت و ستیز با آیات حق و ثبوت و استمرار در آن است و این نکته در اغلب کاربردهای واژه جدال که به صورت جمع، باب‌های ثلاثی مزید و مضارع استمراری به کار رفته، به دست می‌آید.

منابع

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر والتنوير*، ج ۱، بیروت: مؤسسه التاریخ.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، ج ۳، بیروت: دار صادر.
- باقری، مهری (۱۳۹۹)، *مقدمات زبان‌شناسی*، ج ۲۴، تهران: نشر قطره.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التاویل*، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- پالمر، فرانک (۱۴۰۰ش)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، ج ۸، تهران: نشر مرکز.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جاناتان کالر (۱۳۹۳)، *فردینان دو سوسور*، ترجمه کوروش صفوی، ج ۴، تهران: انتشارات هرمس.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، *روح البیان*، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
- درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانه*، ج ۴، سوریه: دار الإرشاد.
- دو سوسور، فردینان (۱۴۰۰)، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ج ۸، ترجمه کوروش صفوی، تهران: انتشارات هرمس.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش)، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، تهران: انتشارات مرتضوی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷)، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، بیروت: دار الکتب العربی.
- صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ق)، الجدول فی إعراب القرآن، ج ۴، دمشق، بیروت: «دار الرشید مؤسسه الإیمان».
- صفوی، کوروش (۱۳۹۹ش)، درآمدی بر معناشناسی، ج ۶، تهران: انتشارات سوره مهر.
- _____ (۱۴۰۰ش)، فرهنگ توصیفی معنی شناسی، ج ۲، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، ج ۳، تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قائمی نیا، علی رضا (۱۳۹۹ش)، معناشناسی، ج ۱، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- مختار عمر، احمد (۱۳۸۶ش)، معناشناسی، ترجمه حسین سیدی، ج ۲، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نورسیده، علی اکبر، میراحمدی، سیدرضا و ترابی ابوالفضل (۱۴۰۱)، معناشناسی واژه "زعم" در قرآن با تکیه بر نظریه ایزوتسو، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۳، شماره ۲۷، صص ۲۹۹-۳۲۲.

Bibliography

- The Holy Quran
- Bagheri, Mehri(1399 SH), Moghadamate Zaban shenasi, Tehran, Ghatreh Publications. (In Persian)
- Beyzavi, Abdollah bn Omar(1418 AH), Anwar al-Tanzil wa-Asrar al-Ta'wil (Tafsir al Baydawi), Beirut: Dar Ehya Atorath Alarabi. (In Arabic)
- Darvish, Mohyeddin(1415 AH), Eerab Al Quran va Bayanah, Syria: Darul Ershad. (In Arabic)
- De Saussure, Ferdinand(1400 SH), Course of General Linguistics, Tr By Korosh Safavi, Tehran: Hermes. (In Persian)
- Fakhre Razi, Mohammad bn Omar(1420 AH), Mafatihul Ghayb(Attafsirul Kabir), Beirut: Dar Ehya Atorath Alarabi. (In Arabic)
- Culler, Jonathan(1393 SH), Ferdinand de Saussure, Tr By Korosh Safavi, Tehran: Hermes. (In Persian)
- Haghi Brosavi, Ismail (Bita), "Ruh al-Bayan" Beirut: Dar al-Fikr, first edition. (In Arabic)
- Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir (Bita), "Al-Tahrir wa Al-Tanwir", Beirut: Al-Tarikh Institute, first edition.- Haghi Borosavi, Esmaeel(N.D), Rooh Al Bayan, Beirut: Darul Fekr. (In Arabic)
- IbnFāres(1404 AH), Mu'jam Maqāyīs al-Lughah, Qom: Islamic Figures Library. (In Arabic)
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1414 AH), "lesan alarab", Beirut: Dar Sadir, third edition. (In Arabic)
- Izotsu, Toshihiko(1398 SH), Ethico-Religipus Concepts in the Qur'an, Tr By Badreyee Fereydun, Tehran: Foroozan rooz. (In Persian)
- _____(1399 SH), God and Man in the Qur'an, Tr By Aram Ahmad. Tehran: Sahami nashr. (In Persian)
- Ghāemi neya, Alireza, Maāna Shenasi, Qom, Publications of the research center of the Hawzeh and University. (In Persian)
- Ghrāati, Mohsen,(1383 SH), Tafsire Noor, Tehran: A cultural center for lessons from the Qur'an. (In Persian)

- Makarem Shirazi, Naser(1374 SH), Tafsie Nemoneh, Tehran: Daral Kotob Aleslamiyah. (In Persian)
- Mokhtar Omar, Ahmad(1386 SH), Semantics, Tr By Husain Sayyedi, Mashhad: Publications of Ferdowsi University of Mashhad. (In Arabic)
- Mostafawi, Hassan (1430 AH), AlTahghigh fi Kalamatel Quran Alkarim, Beirut: Daral Kotob Alelmiyah. (In Persian)
- Noresideh, Ali Akbar, MirAhmadi, Seyed Reza and Torabi Abolfazl (1401), Semantics of the word "Zeam" in the Qur'an based on Izutsu's theory, Journal of Linguistic and Rhetorical Studies, year 13, number 27, pp. 299-322. (In Persian)
- Palmer, Frank Robert(1400 SH), Semantics, Tr By Korosh Safavi, Tehran: Nashre Markaz. (In Persian)
- Ragheb Isfahani(1374 SH), Husayn bn Mohammad, Almofradat fi Gharibel Quran, Tehran: Mortazavi Publications. (In Arabic)
- Safavi, Koorosh(1400 SH),A, Ashenae ba Maāna Shenasi, Tehran: Publication of Pejhwok Kayan. (In Persian)
- _____ (1400 SH), B, Farhange Tousifi Maāna Shenasi, Tehran: Publication of Farhange Moāser. (In Persian)
- _____(1399 SH, Daramadi bar Maāna Shenasi, Tehran: Surah Mehr Publications. (In Persian)
- Safi, Mahmood bn abdorrahim(1418 AH), Aljadval fi Eerabel Quran, Dameshgh, Beirut: Darorrashid Institute Aleyman. (In Arabic)
- Tabatabaee, Mohammad husain(1417 AH), Almizan fi Tafsirel Quran, Qom: The Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers. (In Persian)
- Tabrasi, Fazl bn Hasan(1372 sh), Majmaul Bayan fi Tafsirel Quran, Tehran: Nasser Khosrow Publications. (In Arabic)
- Thaalabi, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1418 AH), "Jawahir al-Hasan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi, first edition. (In Arabic)
- Torayhi, Fakhroddin bn Mohammad(1375 SH), Majmaul Bayrayn, Tehran: Mortazavi Publications. (In Arabic)

- Toosi, Mohammad bn Hasan(N.D), Attebyan fi Tafsirel Quran, Beirut: Dar Ehya Atorath Alarabi. (In Arabic)
- Thaālebi, Abd Arahman bn Mohammad(1418 AH), Javaher Al Hesān fi Tafsir Al Quran, Beirut: Dar Ehya Atorath Alarabi. (In Arabic)
- Zamakhshari, Mahmood bn Omar(1417), Alfaegh fi Gharibul Hadith, , Beirut: Darul Kotoul Elmieh. (In Arabic)
- _____(1407), Alkashaf an Haghaegh Ghavamez Attanzil Beirut:: Darel Ketabalarabi. (In Arabic)

UNCORRECTED PROOF